



WWW.ERFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت استاد حسین انصاریان

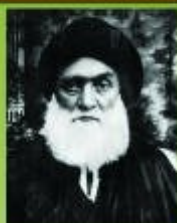
پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

ماجرای ازدواج آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) از زبان استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

شهریور

۹



بلافاصله به بروجرد رفتم. عروسی که تمام شد، پدرم گفت: حالا می‌خواهی بروی برو. آیت الله العظمی بروجردی می‌گفتند: بروجردی شلن یعنی (به جایگاه مرجعیت و رسیدن به قله‌های بلند علمی) در مرهون این خاتم بود که پدر من برای من گرفت. استاد حسین انصاریان در کتاب ارزش‌ها و لغزش‌ها با بیان خاطره‌ای، ماجرای ازدواج مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) و یاداش اطلاعات این مرجع تقلید از پدر خود را این‌گونه نقل کرده است.

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) در احوالات خود گفته است: در اصفهان تحصیل می‌کردم، اساتید آن روز اصفهان کم‌نظیر بودند، مانند آیت الله العظمی کلباسی، مرحوم آقا سید باقر درجه‌ای، حکیم بزرگ قشقایی، و حکیم بزرگ ملا محمد کاشانی.

آیت الله العظمی بروجردی (ره) نقل می‌کنند: من گرم تحصیل در محضر ایشان و عاشق این اساتید بودم. همواره مایه‌های علمی من بالا می‌رفت که ناممندی از پدر دریافت کردم. "پدر ایشان (که از علما بود) در بروجرد، معاش زندگی را از راه کشاورزی تأمین می‌کرد"، در نامه آمده بود: حسین عزیزم به بروجرد بیا، من وسایل عروسی تو را فراهم کرده‌ام.

نامه‌ای به پدر نوشتم که مرا از ازدواج معاف کنی و اجازه بدهی درس بخوانم، پدر در جواب نوشت: فکر نمی‌کنی اگر به سخن پدر گوش ندهی، این مانع تو باشد؟ خدا در قرآن فرموده است: "و بالوالدین احساناً".

بلافاصله به بروجرد رفتم. عروسی که تمام شد، پدرم گفت: حالا می‌خواهی بروی برو. آیت الله العظمی بروجردی می‌گفتند: بروجردی شلن یعنی (به جایگاه مرجعیت و رسیدن به قله‌های بلند علمی) در مرهون این خاتم بود که پدر من برای من گرفت.



موسسه دارالاعراف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف

تصاویر / شیخ حسین انصاریان در حال شستشوی ضریح مطهر کاظمین (ع)

۱۳۹۱

شهریور

۱۸

استاد شیخ حسین انصاریان و همراهانش در سفری که به زیارت امامین کاظمین (علیهما السلام) مشرف شدند، موفق گردیدند در مراسمی نورانی و در فضایی ملکوتی ضریح مطهر امام کاظم و امام جواد (علیهما السلام) را با گلاب ناب شستشو دهند. این مراسم ملکوتی با مداحی مداح اهل بیت علیه السلام حاج محسن طاهری عطراگین گردید.



دار العرفان

موسسه دارالبحار شریعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

شیخ حسین انصاریان در حال شستشوی ضریح مطهر امامین کاظمین (ع)

۱۳۹۱

شهریور

۱۸

استاد شیخ حسین انصاریان و همراهانش در سفری که به زیارت امامین همایین کاظمین (علیهما السلام) مشرف شدند، موفق گردیدند در مراسمی نورانی و در فضایی ملکوتی ضریح مطهر امام کاظم و امام جواد (علیهما السلام) را با گلاب ناب شستشو دهند. این مراسم ملکوتی با مذاحی مذاح اهل بیت علیه السلام حاج محسن طاهری عطراگین گردید.



دار العرفان

موسسه دارالاعراف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف

تصاویر شیخ حسین انصاریان
در حال شستشوی ضریح مطهر امامین کاظمین (ع)

۱۳۹۱

شهریور

۱۹



دار العرفان

موسسه دارالاعراف شبلی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

گزیده‌ای از اخلاق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

به قلم حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان

شکر نعمت

معاویه بن وهب می‌گوید: من در مدینه با حضرت امام صادق علیه السلام بودم و آن حضرت بر مرکبش سوار بود. ناگاه پیاده شد، ما قصد رفتن به بازار یا نزدیک بازار داشتیم ولی حضرت به سجده رفت و سجده را طولانی نمود من به انتظار ماندم تا سر از سجده برداشت، گفتم: فدایت شوم دیدم پیاده شدی و سجده کردی؟ فرمود: به یاد نعمت خدا بر خود افتادم، گفتم: نزدیک بازار، آن هم محل رفت و آمد مردم؟! فرمود: کسی مرا ندید *۱*.

کمک به غیر شیعه

معلى بن خنيس می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام در شبی که نم نم باران می‌آمد برای رفتن به سایبان بنی ساعده از خانه بیرون رفت، من حضرت را دنبال کردم، ناگهان چیزی از دستش افتاد، پس از گفتن بسم الله گفت: خدایا! آن را به ما برگردان، پیش آمدم و به آن حضرت سلام کردم، فرمود: معلى! عرضه داشتیم، بله فدایت شوم، فرمود: با دست به جستجو برای اگر چیزی را یافتی به من بده.

ناگهان من به قرص‌های نانی برخورددم که روی زمین پراکنده بود، آنچه را یافتیم به حضرت دادم، آنگاه در دست حضرت همیانی از نان دیدم، گفتم: به من عنایت کنی تا برای شما بیاورم، فرمود: نه، من به برثن این بار سزاوارترم ولی همراه من بیا. به سایبان بنی ساعده رسیدیم، در آنجا به گروهی برخوردیم که خواب بودند، حضرت زیر لباس هر کدام یک گرده نان یا دو گرده پنهان کرد، آخرین نفر را که کمک کرد باز گشتم، به حضرت گفتم: فدایت گردم اینان حق را می‌شناسند؟ فرمود: اگر می‌شناختند هر آینه با تمک هم به آنان کمک می‌کردیم *۲*.

کمک به خویشاوند

ابوجعفر ختمی می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام یک کیسه زر به من داد، فرمود آن را به فلان مرد از تیره بنی‌هاشم برسان و از اینکه من آن را برای او فرستادم خبر نکن. ابوجعفر می‌گوید: کیسه زر را به آن مرد رساندم؛ گفت: خدا دهنده این کیسه زر را پادشاه خبر دهد، هر ساله این پول را برای من می‌فرستد و من تا سال آینده با آن زندگی می‌کنم ولی جعفر صادق با دلاری فراوانش به من کمکی نمی‌دهد *۳*.

اوج اخلاق

مسافری از میان حاجیان در مدینه به خواب رفت، وقتی بیدار شد گمان کرد همیان پولش به سرقت رفته، به جستجوی همیان برآمد، حضرت امام صادق علیه السلام را در حالی که نمی‌شناخت در نماز دید، به حضرت آویخت و گفت: همیانم را تو برداشتی!! حضرت فرمود: در آن چه بود؟ گفت: هزار دینار، حضرت او را به خانه برد و هزار دینار به او داد. هنگامی که به جایگاهش باز گشت همیان را یافت، عذرخواهانه همراه با هزار دینار به خانه حضرت برگشت، امام از پذیرفتن مال امتناع کرده، فرمود: چیزی که از دستم خارج شده به من باز نمی‌گردد، پرسید: این شخص با این کرم و بزرگواری‌اش کیست؟ گفتند: جعفر صادق علیه السلام است، گفت: این کرامت به ناچار کار چنین کسی است *۴*.

ادامه مطلب در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

گزیده‌ای از اخلاق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

درخواست را بگو

اشجع سلمی بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد، امام را بیمار یافت، کنار حضرت نشست و از سبب بیماری حضرت پرسید، امام صادق علیه السلام فرمود: از پرسیدن علت بیماری منصرف شو، درخواست را بگو، شعری در طلب سلامتی برای آن حضرت از خدا خواند، حضرت به خدمتکارش فرمود: چیزی همراهت هست؟ عرضه داشت: چهار صد دینار، فرمود: آن را به اشجع بده.^{۴۴}

مهربانی بی نظیر

سفیان ثوری بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد، آن بزرگوار را رنگ پریده دید، سبب آن را از حضرت پرسید؟ فرمود: همواره نهی می‌کردم که اهل خانه روی بام نروند، وارد خانه شدم ناگهان کتیزی از کتیزانم را که عهده‌دار تربیت یکی از فرزندانم می‌باشد دیدم که از نردبان بالا رفته و کودک همراه اوست، چون چشمش به من افتاد لرزید و متحیر شد، کودک از دستش به زمین افتاد و مُرد، تغییر رنگم به خاطر مرگ کودک نیست بلکه به خاطر ترسی است که کتیز را فرا گرفت، حضرت دو بار به او فرموده بود: تو در راه خدا آزادی، گناهی بر تو نیست.^{۴۵}

همه امور را به مردم مگو

مفضل بن قیس می‌گوید: بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شدم، نسبت به برخی از مسایل زندگی و حالاتم به حضرت شکایت کردم و از آن بزرگوار درخواست دعا نمودم. حضرت به کتیزش فرمود: کیسه‌ای که از ابوجعفر به ما رسیده بیاور، کیسه را که آورد، فرمود: این کیسه‌ای است که چهارصد دینار در آن است، از آن برای رفع مشکل و پریشانی‌ت استفاده کن، گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند قصد پول گرفتن نداشتم، فقط برای درخواست دعا آمده بودم، فرمود: دعا را رها نمی‌کنم ولی همه آنچه را دچار آن هستی به مردم خبر نده که نزد آنان سبک و خوار می‌شوی.^{۴۶}

احترام مهمان

عبدالله بن یعقوب می‌گوید: مهمانی را نزد حضرت امام صادق علیه السلام دیدم، روزی مهمان برای انجام پارهای از امور برخاست، حضرت او را از دست زدن به کاری بازداشت و خود آنچه را می‌باید، انجام داد، فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه مهمان به کار گرفته شود نهی کرده است.^{۴۷}

برخورد با دو فقیر

مسح بن عبدالملک می‌گوید: در منا با جمعی از شیعیان در خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودیم، در مقابل ما مقداری انگور بود که از آن می‌خوردیم، فقیری آمد و از حضرت چیزی خواست، امام خوشه‌ای انگور به او عطا کرد، فقیر گفت: مرا به این انگور نیازی نیست، اگر درهمی باشد می‌گیرم، حضرت فرمود: خدا برایت گشایش و فراخی فراهم آورد، فقیر رفته سپس برگشت و گفت: خوشه انگور را بدهید، حضرت فرمود: خدا برایت گشایش و فراخی آورد و چیزی به او نداد! فقیری دیگر آمد، حضرت صادق علیه السلام سه جبه انگور به او داد، فقیر سه جبه را از دست حضرت گرفت، سپس گفت: حمد و سپاس پروردگار جهانیان را که به من روزی عنایت کرد.

ادامه مطلب در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف

گزیده‌ای از اخلاق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حضرت فرمود: بایسته پس دست مبارکش را پر از انگور کرد و به او داد، فقیر از دست حضرت گرفت سپس گفت: حمد و سپاس پروردگار جهانیان را که به من روزی عنایت کرد.

حضرت فرمود: غلام چه مقدار درهم نزد توست؟ آن مقدار که ما جلس زدیم حدود بیست درهم بود، حضرت آن را هم به فقیر داد و او هم گرفت سپس گفت: خدایا! سپاس این عنایت هم از تو بود ای خدایی که شریکی برای تو نیست.

حضرت فرمود: به جایت بایسته، سپس پیراهنی که بر تن مبارکش بود به او داد و فرمود: بپوش، او هم پوشید و گفت: خدا را سپاس که مرا لباس پوشانید، ای اباعبدالله! خدا جزای خیرت دهد تا اینجا که رسید امام را رها کرد و برگشت و رفت، ما گمان کردیم که اگر حضرت را رها نمی‌کرد پیوسته به او عطا می‌فرمود: زیرا هرگاه به او عطا می‌کرد او هم خدا را به عطای حضرت سپاس می‌گفت "۳۸"

دعا و راز و نیاز

عبدالله بن یعقور می‌گوید: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام در حالی که دست به سوی عالم بالا برداشته بود می‌گفت: رَبِّ لَا تَكُنْ لِي إِلَى نَفْسِي طَرَفَةً عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقْلَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ. پروردگار! مرا یک لحظه نه کمتر از آن و نه بیشتر به خود وا نگذار، پس به سرعت اشک از اطراف محاسنش جاری شد سپس رو به من کرده، فرمود: ای پسر یعقور! خدا یونس بن متی را کمتر از یک لحظه به خود وا گذاشت، پیامد سخت را به وجود آورد، عرض کردم: کارش به ناسپاسی نسبت به خدا هم رسید؟ فرمود: نه، ولی مردن در چنین حالتی هلاکت است "۳۹"

صبر در مصیبت

قتیه اعشی می‌گوید: برای عیادت فرزند حضرت امام صادق علیه السلام به محضر آن بزرگوار مشرف شدم، ناگهان حضرت را بر درب خانه نگران و محزون دیدم، گفتم: فدایت گردم، کودک در چه حال است؟ فرمود: به خدا سوگند آشفتنگی و پلا بر اوست. وارد خانه شد و ساعتی درنگ کرد، آنگاه به سوی ما بازگشت در حالی که چهره مبارکش می‌درخشید و دگرگونی و حزن از او برطرف شده بود، امینوار شدم که کودک سالم شده! گفتم: فدایت شوم کودک در چه حال است؟ فرمود: از دنیا رفت، گفتم: فدایت گردم او که زنده بود شما را نگران و غصه‌دار دیدم و اکنون که مرده تو را بر این حال می‌بینم؟ مطلب از چه قرار است؟ فرمود: ما اهل بیتی هستیم که پیش از مصیبت جزع می‌کنیم، هنگامی که قضای الهی جاری شد به قضایش رضا می‌دهیم و به امرش تسلیم می‌شویم "۴۰"

بهشت با عیادت اندک

ابوبصیر از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: من در طواف بودم که پدرم بر من گذشت در حالی که به خاطر جوانیم در عبادت سخت کوش بودم و عرق می‌ریختم، به من فرمود: پسرم جعفر! بی‌تردید هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را به بهشت می‌برد و عمل اندک را از او می‌پذیرد "۴۱".

ادامه مطلب در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

گزیده‌ای از اخلاق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

مهربانی به زیردست

حفص بن عایشه می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام غلامش را برای کاری فرستاد، در آمدنش تأخیر کرد، حضرت هنگامی که تأخیر کردن غلام را دیدند به دنبالش رفت، او را در خواب یافت، بالای سرش نشستند و مشغول یاد زدن او شدند تا از خواب بیدار شد، حضرت فرمود: فلانی! خواب الآن حق تو نیست، شب می‌خوابی و روز هم می‌خوابی؟ خواب شب برای تو و کار و فعالیت روز تو برای ما *۲۱*.

کوشش برای معیشت

ابوعمر و شبانی می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام را دیدم که با نیشه‌ای در دست و لباسی خشن بر تن، در باغی که در مالکیت او بود کار می‌کرد در حالی که از پشت مبارکش عرق جاری بود، غدایت کردم تیشه را به من بسپارید تا من برای شما کار کنم؛ فرمود: دوست دارم مرد در جستجوی معیشت به حرارت آفتاب آزار ببیند *۳۱*.

پاداش و مزد کارگر

حنان بن شعیب می‌گوید: گروهی را برای کار کردن در باغ حضرت امام صادق علیه السلام اجیر کردیم و پایان کارشان را عصر قرار دادیم، وقتی از کار فارغ شدند به معتب فرمودند: پیش از آنکه عرقشان خشک شود مزدشان را بپرداز *۱۴*.

سود حلال

ابوجعفر فزاری می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام غلامش را که به او مصادف می‌گفتند به حضور خواست و هزار دینار در اختیارش گذاشته، فرمود: آماده شو تا به مصر برای داد و ستد بروی، زیرا نان خوره‌ای من زیاد شده‌اند. مصادف کالایی آماده کرد و با کاروان تجار به سوی مصر رهسپار شد؛ هنگامی که نزدیک مصر رسیدند قافله‌ای که از مصر بیرون می‌آمد با آنان برخورد کرد، از قافله درباره وضعیت و قیمت کالایی که داشتند و مورد نیاز عموم مردم بود پرسیدند که در مصر چگونه است؟

کاروانیان به آنان گفتند: چیزی از آن در مصر یافت نمی‌شود، هم سوگند و هم پیمان شدند که کالایشان را از نظر سود دینار به دینار بفروشند! وقتی کالایشان را فروختند و قیمتش را گرفتند، به مدینه باز گشتند. مصادف، بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد در حالی دو کیسه هزار دیناری همراهش داشت، به حضرت گفت: غدایت کردم این کیسه اصل سرمایه و آن دیگر سود سرمایه.

حضرت فرمود: این سود، سودی زیاد و فراوان است! شما در فروش کالا چه کردید؟ مصادف داستان را بیان کرد، حضرت فرمود: سبحان الله بر ضد مسلمانان، هم سوگند شدید که جنس را از نظر سود جز دینار به دینار به آنان نفروشید؟! سپس یکی از آن کیسه‌ها را گرفت و فرمود: این اصل سرمایه من و به سودش هیچ نیازی ندارم سپس فرمود: ای مصادف! شمشر زدن در میدان جنگ از طلب حلال آسان‌تر است *۱۵*!



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

سیره اخلاقی امام جعفر صادق علیه السلام در آینه روایات

درنگ و تدبیر در آموزه های معرفتی و عمیق اسوه علم و تقوا امام صادق (ع) بویژه در ایام شهادت حضرتش، جان را حیاتی دوباره می بخشد و باران روح بخش ولایت و امامت، فکر و اندیشه و اخلاق را سیراب می کند. سرویس علمی و فرهنگی خبرگزاری حوزه نوشتاری از حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان شامل احادیثی چند از سیره اخلاقی، اجتماعی و علمی امام صادق علیه السلام را به مناسبت شهادت وارث علم انبیا امام صادق علیه السلام تقدیم می کند.

شکر نعمت

معاویه بن وهب می گوید: من در مدینه با حضرت امام صادق علیه السلام بودم و آن حضرت بر مرکبش سوار بود. ناگاه پیاده شد. ما قصد رفتن به بازار یا نزدیک بازار داشتیم ولی حضرت به سجده رفت و سجده را طولانی نمود. من به انتظار ماندم تا سر از سجده برداشت، گفتم: فدایت شوم دیدم پیاده شدی و سجده کردی؟ فرمود: به یاد نعمت خدا بر خود افتادم، گفتم: نزدیک بازار، آن هم محل رفت و آمد مردم؟! فرمود: کسی مرا ندید «۱».

کمک به غیر شیعه

معلى بن خنيس می گوید: حضرت امام صادق علیه السلام در شبی که نم نم باران می آمد برای رفتن به سایبان بنی ساعده از خانه بیرون رفت. من حضرت را دنبال کردم، ناگهان چیزی از دستش افتاد، پس از گفتن بسم الله گفت: خدایا! آن را به ما برگردان، پیش آمدم و به آن حضرت سلام کردم، فرمود: معلى! عرضه داشتم، یله فدایت شوم، فرمود: با دستت به جستجو برای اگر چیزی را یافتی به من بده. ناگهان من به قرص های نانی برخوردیم که روی زمین پراکنده بود، آنچه را یافتیم به حضرت دادم، آنگاه در دست حضرت همیانی از نان دیدم، گفتم: به من عنایت کنی تا برای شما بیاورم، فرمود: نه، من به بردن این بار سزاوارترم ولی همراه من بیا. به سایبان بنی ساعده رسیدیم، در آنجا به گروهی برخوردیم که خواب بودند، حضرت زیر لباس هر کدام یک گرده نان یا دو گرده پنهان کرد، آخرین نفر را که کمک کرد باز گشتم، به حضرت گفتم: فدایت گردم اینان حق را می شناسند؟ فرمود: اگر می شناختند هر آینه با کمک هم به آنان کمک می کردیم «۲».

کمک به خویشاوند

ابوجعفر خثعمی می گوید: حضرت امام صادق علیه السلام یک کیسه زر به من داده، فرمود آن را به فلان مرد از تیره بنی هاشم برسان و از اینکه من آن را برای او فرستادم خیر نکن. ابوجعفر می گوید: کیسه زر را به آن مرد رساندم؛ گفت: خدا دهنده این کیسه زر را پاداشی خیر دهد، هر ساله این پول را برای من می فرستد و من تا سال آینده با آن زندگی می کنم ولی جعفر صادق با دلاری فراوانش به من کمکی نمی دهد «۳»!



مرکز علمی حوزه های علمیه
موسسه دارالافتاء
موسسه دارالانوار

سیره اخلاقی امام جعفر صادق علیه السلام در آینه روایات

اوج اخلاق

مسافری از میان حاجیان در مدینه به خواب رفت، وقتی بیدار شد گمان کرد همیان پولش به سرقت رفته، به جستجوی همیان برآمد، حضرت امام صادق علیه السلام را در حالی که نمی شناخت در نماز دید، به حضرت آویخت و گفت: همیامت را تو برداشتی!! حضرت فرمود: در آن چه بود؟ گفت: هزار دینار، حضرت او را به خانه برد و هزار دینار به او داد. هنگامی که به جایگاهش باز گشت همیانش را یافت، عذرخواهانه همراه با هزار دینار به خانه حضرت برگشت، امام از پذیرفتن مال امتناع کرده، فرمود: چیزی که از دستم خارج شده به من باز نمی گردد، پرسید: این شخص با این کرم و بزرگواری اش کیست؟ گفتند: جعفر صادق علیه السلام است، گفت: این کرامت به ناچار کار چنین کسی است «۶».

درخواست را بگو

اشجع سلمی بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد، امام را بیمار یافت، کنار حضرت نشست و از سبب بیماری حضرت پرسید، امام صادق علیه السلام فرمود: از پرسیدن علت بیماری منصرف شو، درخواست را بگو، شعری در طلب سلامتی برای آن حضرت از خدا خواند، حضرت به خدمتکارش فرمود: چیزی همراهت هست؟ عرضه داشت: چهار صد دینار، فرمود: آن را به اشجع بده «۴».

مهربانی بی نظیر

سفیان ثوری بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد، آن بزرگوار را رنگ پریده دید، سبب آن را از حضرت پرسید؟ فرمود: همواره نهی می کردم که اهل خانه روی بام نروند، وارد خانه شدم ناگهان کتیزی از کتیزانم را که عهده دار تربیت یکی از فرزندانم می باشد دیدم که از نردبان بالا رفته و کودک همراه اوست، چون چشمش به من افتاد لرزید و متحیر شد، کودک از دستش به زمین افتاد و مرد، تغییر رنگم به خاطر مرگ کودک نیست بلکه به خاطر ترسی است که کتیز را فرا گرفت، حضرت دو بار به او فرموده بود: تو در راه خدا آزادی، گناهی بر تو نیست «۵»!

همه امورت را به مردم مگو

مفضل بن قیس می گوید: بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شدم، نسبت به برخی از مسایل زندگی و حالاتم به حضرت شکایت کردم و از آن بزرگوار درخواست دعا نمودم، حضرت به کنیزش فرمود: کیسه ای که از ابوجعفر به ما رسیده بیاور، کیسه را که آورد، فرمود: این کیسه ای است که چهارصد دینار در آن است، از آن برای رفع مشکل و پریشانیست استفاده کن، گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند قصد پول گرفتن نداشتم، فقط برای درخواست دعا آمده بودم، فرمود: دعا را رها نمی کنیم ولی همه آنچه را دچار آن هستی به مردم خبر نده که نزد آنان سبک و خوار می شوی «۶».

احترام مهمان

عبدالله بن یعقوب می گوید: مهمانی را نزد حضرت امام صادق علیه السلام دیدم، روزی مهمان برای انجام پارهای از امور برخاست، حضرت او را از دست زدن به کاری بازداشت و خود آنچه را می باید، انجام داد، فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه مهمان به کار گرفته شود نهی کرده است «۷».

ادامه مطلب در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف

سیره اخلاقی امام جعفر صادق علیه السلام در آئینه روایات

برخورد با دو فقیر

سمیع بن عبدالملک می‌گوید: در منا با جمعی از شیعیان در خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودیم، در مقابل ما مقداری انگور بود که از آن می‌خوردیم، فقیری آمد و از حضرت چیزی خواست، امام خوشه‌ای انگور به او عطا کرد، فقیر گفت: مرا به این انگور نیازی نیست، اگر درهمی باشد می‌گیرم، حضرت فرمود: خدا برایت گشایش و فراخی فراهم آورد.

فقیر رفت، سپس برگشت و گفت: خوشه انگور را بدهید، حضرت فرمود: خدا برایت گشایش و فراخی آورد و چیزی به او نداد! فقیری دیگر آمد، حضرت صادق علیه السلام سه جبه انگور به او داد، فقیر سه جبه را از دست حضرت گرفت، سپس گفت: حمد و سیاسی پروردگار جهانیان را که به من روزی عنایت کرد.

حضرت فرمود: بایست، پس دست مبارکش را پر از انگور کرد و به او داد، فقیر از دست حضرت گرفت، سپس گفت: حمد و سیاسی پروردگار جهانیان را که به من روزی عنایت کرد.

حضرت فرمود: غلام چه مقدار درهم نزد توست؟ آن مقدار که ما حلس زدیم حدود بیست درهم بود، حضرت آن را هم به فقیر داد و او هم گرفت، سپس گفت: خدایا! سیاسی این عنایت هم از تو بود ای خدایی که شریکی برای تو نیست.

حضرت فرمود: به جای بایست، سپس پیراهنی که بر تن مبارکش بود به او داد و فرمود: بپوش، او هم پوشید و گفت: خدا را سیاسی که مرا لباس پوشانید، ای اباعبدالله! خدا جزای خیرت دهد تا اینجا که رسید امام را رها کرد و برگشت و رفت، ما گمان کردیم که اگر حضرت را رها نمی‌کرد پیوسته به او عطا می‌فرمود؛ زیرا هرگاه به او عطا می‌کرد او هم خدا را به عطای حضرت سیاسی می‌گفت «خ»!

دعا و راز و نیاز

عبدالله بن یعقوب می‌گوید: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام در حالی که دست به سوی عالم بالا برداشته بود می‌گفت:

رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقْلُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ

پروردگارا! مرا یک لحظه نه کمتر از آن و نه بیشتر به خود وا نگذار.

پس به سرعت اشک از اطراف محاسنش جاری شد سپس رو به من کرده، فرمود: ای پسر یعقوب! خدا یونس بن متی را کمتر از یک لحظه به خود وا گذاشت، پیامد سخت را به وجود آورد، عرض کردم: کارش به ناسپاسی نسبت به خدا هم رسید؟ فرمود: نه، ولی مردن در چنین حالتی هلاکت است «خ»!

صبر در مصیبت

قتیه اشعی می‌گوید: برای عیادت فرزند حضرت امام صادق علیه السلام به محضر آن بزرگوار مشرف شدم، ناگهان حضرت را بر درب خانه نگران و محزون دیدم، گفتم: فدایت گردم، کودک در چه حال است؟ فرمود: به خدا سوگند آشفتگی و بلا بر اوست. وارد خانه شد و ساعتی درنگ کرد، آنگاه به سوی ما بازگشت در حالی که چهره مبارکش می‌درخشید و دگرگونی و حزن از او برطرف شده بود، امیدوار شدم که کودک سالم شده؛ گفتم: فدایت شوم کودک در چه حال است؟ فرمود: از دنیا رفت، گفتم: فدایت گردم او که زنده بود شما را نگران و غصه‌دار دیدم و اکنون که مرده تو را بر این حال می‌بینم؟ مطلب از چه قرار است؟ فرمود: ما اهل بیتی هستیم که پیش از مصیبت جزع می‌کنیم، هنگامی که قضای الهی جاری شد به قضایش رضا می‌دهیم و به امرش تسلیم می‌شویم «خ»!



موسسه دارالانصار شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

بهشت با عبادت اندک

ابوبصیر از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

من در طواف بودم که پدرم بر من گذشت در حالی که به خاطر جوانیم در عبادت سخت کوش بودم و عرق می‌ریختم، به من فرمود: پسرم جعفر! بی‌تردید هرگاه خدا بندگان را دوست بدارد او را به بهشت می‌برد و عمل اندک را از او می‌پذیرد «۱۱».

مهربانی به زیردست

حفص بن عایشه می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام غلامش را برای کاری فرستاد، در آمدنش تأخیر کرد، حضرت هنگامی که تأخیر کردن غلام را دیدند به دنبالش رفت، او را در خواب یافت، بالای سرش نشستند و مشغول باد زدن او شدند تا از خواب بیدار شد، حضرت فرمود: فلانی! خواب الآن حق تو نیست، شب می‌خوابی و روز هم می‌خوابی؟ خواب شب برای تو و کار و فعالیت روز تو برای ما «۲۱».

کوشش برای معیشت

ابوعمر و شیبانی می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام را دیدم که با تیشه‌ای در دست و لباسی خشن بر تن، در باغی که در مالکیت او بود کار می‌کرد در حالی که از پشت مبارکش عرق جاری بود، گفتم: فدایت کردم تیشه را به من بسپارید تا من برای شما کار کنم؛ فرمود: دوست دارم مرد در جستجوی معیشت به حرارت آفتاب آزار ببیند «۳۱»!

پاداش و مزد کارگر

حنان بن شعیب می‌گوید: گروهی را برای کار کردن در باغ حضرت امام صادق علیه السلام اجیر کردیم و پایان کارشان را عصر قرار دادیم، وقتی از کار فارغ شدند به معتب فرمودند: پیش از آنکه عرقشان خشک شود مزدشان را بپرداز «۱۴».



دارالعرفان

موسسه دارالاعراف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

سود حلال

ابوجعفر فزاری می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام غلامش را که به او مصادف می‌گفتند به حضور خواست و هزار دینار در اختیارش گذاشته، فرمود: آماده شو تا به مصر برای داد و ستد بروی، زیرا ثمن خورهای من زیاد شده‌اند.

مصادف کالایی آماده کرد و با کاروان تجار به سوی مصر رهسپار شد؛ هنگامی که نزدیک مصر رسیدند قافله‌ای که از مصر بیرون می‌آمد با آنان برخورد کرد، از قافله درباره وضعیت و قیمت کالایی که داشتند و مورد نیاز عموم مردم بود پرسیدند که در مصر چگونه است؟

کاروانیان به آنان گفتند: چیزی از آن در مصر یافت نمی‌شود، هم سوگند و هم پیمان شدند که کالایشان را از نظر سود دینار به دینار بفروشند! وقتی کالایشان را فروختند و قیمتش را گرفتند، به مدینه باز گشتند. مصادف، بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شد در حالی دو کیسه هزار دیناری همراهش داشت، به حضرت گفت: فدایت گردم این کیسه اصل سرمایه و آن دیگر سود سرمایه.

حضرت فرمود: این سود سودی زیاد و فراوان است! شما در فروش کالا چه کردید؟ مصادف داستان را بیان کرد، حضرت فرمود: سبحان الله بر ضد مسلمانان، هم سوگند شدید که جنس را از نظر سود جز دینار به دینار به آنان نفروشید؟! سپس یکی از آن کیسه‌ها را گرفت و فرمود: این اصل سرمایه من و به سودش هیچ نیازی ندارم سپس فرمود: ای مصادف! شمشیر زدن در میدان جنگ از طلب حلال آسان‌تر است «۱۵»!!



دارالعرفان

موسسه دارالاعراف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ERFAN-IR - WWW.ANSARIAN-IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت استاد حسین انصاریان

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

بیانیه استاد انصاریان در محکومیت عوامل فیلم موهن به ساحت نبی اکرم (ص)

۲۴ شهریور ۱۳۹۱



بنا به گزارش موسسه دارالمعارف شیعی قم عالم ربانی استاد حسین انصاریان طی بیانیه ای عوامل آمریکائی و صهیونیسم توهین کننده به رسول گرامی اسلام را محکوم کرد.

متن بیانیه به شرح ذیل می باشد:

هوالمعتقم

و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون

دولت چنایت کار آمریکا و صهیونیست های پلید پس از دشمنی های فراوان با دین مبین اسلام امروزه نتیجه معکوس گرفته اند و حیات پست و حیوانی خود را در معرض خطر موج حقیقت خواهی و اسلام گرایی امت های آگاه و آزادگان در سراسر عالم می بینند. در این زمان که فروغ پر درخشش اسلام ناب محمدی (ص) چشم این خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرایی را از رده است، هر از گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی به اقدامات ابلهانه و مذبحخانه تحت امر اربابان صهیونیست خود دست می زنند و توهین به ساحت نبی اکرم اسلام از این گونه اقدامات بی شرمانه می باشد.

دولت آمریکا که علیرغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است و در قامت یک ابالت تحت امر سران اسرائیل خونخوار ظاهر می شود بار دیگر برای تحت شعاع قرار دادن انوار الهی اسلام ناب محمدی (ص) با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) دست زده است و غافل از آن است که نور خدا خاموش شدنی نیست (پیریدون آن یقفنوا نور الله بأفواههم یایی الله الا ان یتیم نوره و لو کره الکفرون - هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی دین کله و لو کره المشرکون) و این وعده الهی محقق است که فرمود: الاسلام یعلا و لا یعلی علیه.

باشد که این اقدام شیطانی موجب تسریع اضمحلال حکومت های باطل به دست مسلمانان عاشق ساحت قدس نبوی گردد و دست انتقام الهی در سر تا سر جهان از استین اسلام خواهان حقیقی بر آمده و بساط کفر و الحاد به سرکردگی آمریکا و اسرائیل را بر اندازد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

عشق زمینی و عشق آسمانی

۱۳۹۱

شهریور

۲۶



در بنی اسرائیل زنی زنکار بود، که هرکس با دین جمال او، به گناه آلوده می شد! درب خانه اش به روی همه باز بود، در اطالی نزدیک در، مشرف به بیرون نشسته بود و از این طریق مردان و جوانان را به دام می کشید، هرکس به نزد او می آمد، باید ده دینار برای انجام حاجتش به او می داد!

عابدی از آنجا می گذشت، ناگهان چشمش به جمال خیره کننده زن افتاد، پول نداشت، پارچه ای نزدش بود فروخت، پولش را برای زن آورد و در کنار او نشست، وقتی چشم به او دوخت، آه از نهادش برآمد که ای وای بر من که مولایم ناظر به وضع من است، من و عمل حرام، من و مخالفت با حق! با این عمل تمام خوبی هایم از بین خواهد رفت!!
رنگ از صورت عابد پرید، زن پرسید این چه وضعی است، گفت: از خداوند می ترسم، زن گفت: وای بر تو! بسیاری از مردم آرزو دارند به اینجایی که تو آمدی بیایند.
گفت: ای زن! من از خدا می ترسم، مال را به تو حلال کردم مرا رها کن بروم، از نزد زن خارج شد در حالی که بر خویش تأسف و حسرت می خورد و سخت می گریست!

زن را در دل ترسی شدید عارض شد و گفت: این مرد اولین گناهی بود که می خواست مرتکب شود، این گونه به وحشت افتاد: من سال هاست غرق در گناه، همان خدایی که از عذابش او ترسید، خدای من هم هست، باید ترس من خیلی شدیدتر از او باشد! در همان حال توبه کرد و در را بست و جامه کهنه ای پوشید و روی به عبادت آورد و پیش خود گفت: خدا اگر این مرد را پیدا کنم، به او پیشنهاد ازدواج می دهم، شاید با من ازدواج کند! و من از این طریق با معالم دین و معارف حق آشنا شوم و برای عبادتم کمک باشد.

بار و بنه خویش را برداشت و به قریه عابد رسید، از حال او پرسید، محلش را نشان دادند! نزد عابد آمد و داستان ملاقات آن روز خود را با آن مرد الهی گفت، عابد فریادی زد و از دنیا رفت، زن شدیداً ناراحت شد پرسید از نزدیکان او کسی هست که نیاز به ازدواج داشته باشد؟ گفتند: برادری دارد که مرد خداست ولی از شدت تنگدستی قادر به ازدواج نیست، زن حاضر شد با او ازدواج کند و خداوند بزرگ به آن مرد شایسته و زن بازگشته به حق پنج فرزند عطا کرد که همه از تبلیغ کنندگان دین خدا شدند!

پی نوشت:

اثر استاد حسین انصاریان.



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارفان

درخشش اسلام ناب، خفتگان در غار متعفن مادی گرائی را می آزاد

۱۳۹۱

شهریور

۲۷



درخشش اسلام ناب چشم خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرائی را آزاده و هراز گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی، به اقدامات ابلهانه دست می زنند، غافل از آن که نور خدا خاموش شدنی نیست.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان در بیانیه ای با محکومیت هتک حرمت پیامبر اعظم(ص) تاکید کرد: دولت جنایت کار آمریکا و صهیونیست های پلید پس از دشمنی های فراوان با دین مبین اسلام، نتیجه معکوس گرفته اند و حیات حیوانی خود را در معرض خطر موج حقیقت خواهی و اسلام گرایی امت های آگاه و آزادگان در سراسر عالم می بینند.

وی ادامه داد: در این زمان که فروغ پردرخشش اسلام ناب محمدی(ص) چشم خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرائی را آزاده است، هر از گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی، تحت امر اربابان صهیونیست خود به اقدامات ابلهانه و مذبحانه دست می زنند و توهین به ساحت نبی اکرم اسلام (ص) از این گونه اقدامات بی شرمانه می باشد.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با اشاره به این که دولت آمریکا علی رغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است، گفت: آمریکا در قامت یک ایالت تحت امر سران رژیم صهیونیستی خونخوار ظاهر می شود و برای تحت شعاع قرار دادن انوار الهی اسلام ناب محمدی(ص)، با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی(ص) دست زده است و غافل از آن که نور خدا خاموش شدنی نیست.

وی با تاکید بر این که این اقدام شیطانی موجب تسریع اضمحلال حکومت های باطل به دست مسلمانان عاشق ساحت قدس نبوی می گردد، تصریح کرد: دست انتقام الهی در سر تا سر جهان از آستین اسلام خواهان حقیقی بر آمده و بساط کفر و الحاد به سرکردگی آمریکا و اسرائیل را برمی چیند.



موسسه دارالافتاء
مركز علمی تحقیقاتی دارالافتاء

سخنرانی حجت الاسلام انصاریان در شهرستان رشت ۱



مدیر موسسه اسلامی دارالعرفان با اشاره به فرارسیدن ایام دهه کرامت و برگزاری مراسم های مذهبی و سخنرانی در این موسسه گفت: حجت الاسلام انصاریان به مدت ده شب به اجرای برنامه سخنرانی می پردازند.

عاید عرفان، مدیر موسسه فرهنگی اسلامی دارالعرفان با اشاره به فرارسیدن ایام میلاد حضرت معصومه(س) و امام رضا(ع) به خبرنگار شبهستان گفت: همزمان با دهه کرامت سراسر کشور آماده برگزاری مراسمات مهیی بوده و موسسه دارالعرفان نیز به مدت ۱۰ شب در شهرستان رشت به اجرای برنامه فرهنگی می پردازد.

وی با اشاره به زمان و مکان برگزاری این مراسم ها خاطر نشان کرد: حجت الاسلام حسین انصاریان در پنج شب اول دهه کرامت بعد نماز مغرب و عشاء در شهر آستانه اشرفیه و در کنار امام زاده واقع در این شهر سخنرانی دارد.

پیمان افزود: در پنج شب دوم این دهه نیز استاد انصاریان در مسجد جامع شهر رشت به اجرای برنامه سخنرانی می پردازد. وی با اشاره به دیگر برنامه های موسسه دارالعرفان در ایام دهه کرامت تصریح کرد: در موسسه اسلامی هدایت واقع در تهران میدان قیام، خیابان ری، کوی رقیب دوست، تقاطع کوی باغ همزمان با شب میلاد مارک اما رضا(ع) جشنی برگزار می شود که در آن قراء بین المللی به اجرای برنامه های قرآنی می پردازند.



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

بیانیه استاد انصاریان در محکومیت عوامل فیلم موهن به ساحت نبی اکرم (ص)



دولت آمریکا که علیرغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است و در قامت یک ایالت تحت امر سران اسرائیل خونخوار ظاهر می شود بار دیگر برای تحت شعاع قرار دادن انوار الهی اسلام ناب محمدی (ص) با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) دست زده است و غافل از آن است که نور خدا خاموش شدنی نیست.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - «استاد حسین انصاریان» طی بیانیه ای عوامل آمریکائی و صهیونیسم توهین کننده به رسول گرامی اسلام را محکوم کرد.

متن بیانیه به شرح ذیل می باشد:

هوالمستقم

و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون

دولت جنایت کار آمریکا و صهیونیست های پلید پس از دشمنی های فراوان با دین مبین اسلام امروزه نتیجه معکوس گرفته اند و حیات پست و حیوانی خود را در معرض خطر موج حقیقت خواهی و اسلام گرایی امت های آگاه و آزادگان در سراسر عالم می بینند. در این زمان که فروغ پر درخشش اسلام ناب محمدی (ص) چشم این خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرایی را آزرده است، هر از گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی به اقدامات ابلهانه و مذبحخانه تحت امر اربابان صهیونیست خود دست می زنند و توهین به ساحت نبی اکرم اسلام از این گونه اقدامات بی شرمانه می باشد.

دولت آمریکا که علیرغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است و در قامت یک ایالت تحت امر سران اسرائیل خونخوار ظاهر می شود بار دیگر برای تحت شعاع قرار دادن انوار الهی اسلام ناب محمدی (ص) با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) دست زده است و غافل از آن است که نور خدا خاموش شدنی نیست. «پیریدون آن یلقشوا نور الله بافواهم» یایی الله الا ان یتن نوره و لو کره الکفرون - هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی دین کله و لو کره المشرکون؛ و این وعده الهی محقق است که فرمود: «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه».

باشد که این اقدام شیطانی موجب تسریع اضمحلال حکومت های باطل به دست مسلمانان عاشق ساحت قدس نبوی گردد و دست انتقام الهی در سر تا سر جهان از استین اسلام خواهان حقیقی بر آمده و بساط کفر و الحاد به سرکردگی آمریکا و اسرائیل را بز اندازد.

حسین انصاریان - قم



دارالاعراف

موسسه دارالاعراف شبیه
مركز علمی تحقیقاتی دارالاعراف